

(وَ مِنْ كَلَامٍ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَ قَدْ جَمَعَ النَّاسَ وَ حَضَّهُمْ عَلَى الْجِهَادِ فَسَكْتُوا
 مَلِيًّا فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا بِالْكُمْ أَمْخَرَسُونَ أَنْتُمْ؟ فَقَالَ قَوْمٌ مِنْهُمْ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ
 إِنَّ سِرَّتَ سِرْنَا مَعَكَ. فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا بِالْكُمْ لَا سُدَّدْتُمْ لِرُشْدِي، وَلَا هُدَيْتُمْ
 لِقَصْدِي، أَفِي مِثْلِ هَذَا يَنْبَغِي لِي أَنْ أَخْرُجَ؟ إِنَّمَا يَخْرُجُ فِي مِثْلِ هَذَا رَجُلٌ مِمَّنْ
 أَرْضَاهُ مِنْ شُجْعَانِكُمْ وَ ذَوِي بَأْسِكُمْ، وَ لَا يَنْبَغِي لِي أَنْ أَدَعَ الْجُنْدَ وَ الْمِصْرَ وَ
 بَيْتَ الْمَالِ وَ جِبَايَةَ الْأَرْضِ وَ الْقَضَاءَ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ وَ النَّظَرَ فِي حُقُوقِ الْمُطَالِبِينَ،
 ثُمَّ أَخْرَجَ فِي كَتِيبَةٍ أَتْبَعُ أُخْرَى، أَتَقَلَّقُ تَقَلُّقَ الْقِدْحِ فِي الْجَفِيرِ الْفَارِغِ، وَ إِنَّمَا أَنَا
 قُطْبُ الرَّحَى: تَدُورُ عَلَيَّ وَ أَنَا بِمَكَانِي، فَإِذَا فَارَقْتُهُ اسْتَحَارَ مَدَارُهَا، وَ اضْطَرَبَ
 ثِفَالُهَا، هَذَا - لَعَمْرُ اللَّهِ - الرَّأْيُ السَّوُّءُ، وَ اللَّهُ لَوْ لَا رَجَائِي الشَّهَادَةَ عِنْدَ لِقَائِي الْعَدُوَّ
 لَوْ قَدْ حُمَّ لِي لِقَاؤُهُ لَقَرَّبْتُ رِكَابِي، ثُمَّ شَخَصْتُ عَنْكُمْ، فَلَا أَطْلُبُكُمْ مَا اخْتَلَفَ
 جُنُوبٌ وَ شِمَالٌ طَعَانِينَ عِيَابِينَ حَيَادِينَ رَوَاغِينَ إِنَّهُ لَا غِنَاءَ فِي كَثْرَةِ عَدَدِكُمْ مَعَ
 قِلَّةِ اجْتِمَاعِ قُلُوبِكُمْ، لَقَدْ حَمَلْتَكُمْ عَلَى الطَّرِيقِ الْوَاضِحِ الَّتِي لَا يَهْلِكُ عَلَيْهَا إِلَّا
 هَالِكٌ، مَنْ اسْتَقَامَ فِإِلَى الْجَنَّةِ، وَ مَنْ زَلَّ فِإِلَى النَّارِ.

ستودن یاران خود

شما را چه می شود؟ هرگز ره رستگاری نپویید! و به راه عدل هدایت نگردید! آیا
 در چنین شرائطی سزاوارست که من از شهر خارج شوم؟ هم اکنون باید مردی از

شما که من از شجاعت و دلاوری او راضی و به اطمینان داشته باشم، به سوی دشمن کوچ کند.

مسوولیت‌های رهبری

و برای من سزاوار نیست که لشگر و شهر و بیت‌المال و جمع‌آوری خراج و قضاوت بین مسلمانان، و گرفتن حقوق درخواست کنندگان را رها سازم، آنگاه با دسته‌ای بیرون روم، و به دنبال دسته‌ای به راه افتم، و چونان تیر نتراشیده در جعبه‌ای خالی به این سو و آن سو سرگردان شوم. من چونان سنگ آسیاب، باید بر محور خود استوار بمانم، و همه امور کشور، پیرامون من و به وسیله من به گردش درآید، اگر من از محور خود دور شوم مدار آن بلرزد و سنگ زیرین آن فرو ریزد، به حق خدا سوگند که این پیشنهاد بدی است به خدا سوگند! اگر امیدواری به شهادت در راه خدا را نداشتم، پای در رکاب کرده از میان شما می‌رفتم، و شما را نمی‌طلبیدم چندان که باد شمال و جنوب می‌وزد زیرا شما بسیار طعنه‌زن، عیبجو، رویگردان از حق، و پرمکر و حيله‌اید. مادام که افکار شما پراکنده است فراوانی تعداد شما سودی ندارد، من شما را به راه روشنی بردم که جز هلاک خواهان، هلاک نگردند، آن کس که استقامت کرد به سوی بهشت شتافت و آن کس که لغزید در آتش سرنگون شد.